

دست‌رسی آژانس به مراکز نظامی از منظر حقوق بین‌الملل (با تأکید بر برجام)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۸

صالح رضایی پیش‌رباط*

چکیده

هدف این مقاله بررسی مقررات موافقت‌نامه پادمان جامع، پروتکل الحاقی و برجام در خصوص دست‌رسی آژانس به مراکز نظامی و شرایط و محدودیت‌های آن است. در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه‌های پادمان جامع مرتبط با آن، صلاحیت یا اختیاری برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر دست‌رسی به مکان‌های نظامی کشورهای متعاقد وجود ندارد. پروتکل الحاقی نیز مقررات صریحی مبنی بر دست‌رسی آژانس به مراکز نظامی پیش‌بینی نکرده است. در سند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم با وجود اینکه سازوکار پیچیده‌تر و شفاف‌تری در نظر گرفته شده، اما هیچ‌گونه حق یا صلاحیتی برای آژانس در این مورد در نظر گرفته نشده و هرگونه دست‌رسی در این مورد مشروط به رضایت و همکاری داوطلبانه ایران است. واژگان کلیدی: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، پروتکل الحاقی، مراکز نظامی، برجام.

Srezaie_p@yahoo.com

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیستم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۶ • شماره مسلسل ۷۶

مقدمه

حساسیت و نگرانی دولت‌ها در خصوص دسترسی اشخاص و نهادهای خارجی به مکان‌ها و اطلاعات نظامی‌شان امری طبیعی و به حق است. مراکز نظامی از جمله حساس‌ترین و امنیتی‌ترین مراکز دولت‌ها محسوب می‌شوند و در تمامی کشورها دسترسی به آن‌ها از محدودیت‌ها و حساسیت‌های خاصی برخوردار بوده و به آسانی به دیگران اجازه دسترسی و یا بازدید از آن‌ها داده نمی‌شود. در مواردی که قرار باشد این دسترسی از جانب اشخاص خارجی یا بین‌المللی صورت پذیرد، حساسیت و نگرانی به مراتب شدیدتر می‌شود. در زمان تدوین و تصویب موافقت‌نامه‌های پادمان جامع هسته‌ای، به‌منظور نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها، دسترسی ناظران بین‌المللی به مراکز نظامی در جریان اعمال این نظارت‌ها به یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها و چالش‌های اعمال پادمان‌ها تبدیل شد (Kish, 1995: 88). سال‌ها بعد نیز که آژانس در صدد تقویت و تحکیم پادمان‌های هسته‌ای از طریق تدوین و تصویب پروتکل الحاقی به موافقت‌نامه‌های پادمان جامع برآمد، این نگرانی‌ها باز هم تکرار شد و در مقررات پروتکل نیز لحاظ گردید (Additional Protocol, 1997, art: 7).

در عمل، موضوع صلاحیت یا اختیار آژانس در دسترسی به یا بازدید از مکان‌های نظامی از اوایل دهه ۱۹۹۰ و با آشکارشدن ضعف پادمان‌های هسته‌ای مطرح شده است. ابهام و تردیدات در برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی و عراق، که هر دو از اعضای معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای و دارای موافقت‌نامه پادمان جامع با آژانس بودند، آژانس را بر آن داشت تا با ارائه تفسیری جدید از مقررات موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، اختیارات خود را وسعت بخشیده تا به‌زعم خود مانع سوءاستفاده احتمالی دولت‌ها از این ضعف‌ها به‌منظور توسعه برنامه‌های تسلیحاتی هسته‌ای مخفیانه شود. طرح صلاحیت و اختیار آژانس به موجب موافقت‌نامه‌های پادمان جامع در دسترسی به مکان‌های نظامی دولت‌ها به‌منظور راستی‌آزمایی فقدان فعالیت هسته‌ای اعلام‌نشده در این دولت‌ها، از جمله این تفاسیر جدید بود. در چارچوب همین تفسیر بود که شورای حکام آژانس در ۲۳ فوریه ۱۹۹۳ با تصویب قطعنامه‌ای دولت کره شمالی را به دسترسی دادن آژانس به مکان‌های نظامی خود ملزم کرد (Yetgin, 2003: 26).

با بروز مشکلات میان آژانس و ایران در خصوص برنامه‌های هسته‌ای ایران و ارجاع موضوع به شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل، اختیار آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی ایران به سان ابزاری برای راستی‌آزمایی فقدان فعالیت هسته‌ای اعلام نشده، با قوت بیشتر تکرار شد. شورای حکام آژانس و شورای امنیت سازمان ملل از ایران خواستند که دسترسی‌های مورد نظر آژانس به برخی از مکان‌های نظامی را به منظور حصول اطمینان از فقدان فعالیت هسته‌ای فراهم آورد. ایران تاکنون (تا ۲۰۱۵) سه بار و با هدف نشان‌دادن حسن نیت و حسن شفافیت در مورد برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود، اجازه بازدید از سایت نظامی پارچین را صادر کرده است. در مورد دسترسی یا بازدید آژانس از مکان‌های هسته‌ای، سؤالی که به لحاظ حقوقی مطرح می‌شود این است که آیا بر اساس حقوق بین‌الملل موجود، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از صلاحیت دسترسی به مراکز نظامی دولت‌ها به منظور راستی‌آزمایی عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای آن‌ها به تسلیحاتی برخوردار است؟

این مقاله با رجوع و استناد به مقررات موافقت‌نامه‌های پادمان جامع و پروتکل الحاقی و نیز سند برجام با تاکید بر رویکرد و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

الف. دسترسی آژانس به مراکز نظامی در موافقت‌نامه‌های پادمان جامع

در سال ۱۹۶۸ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با هدف جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در جهان و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای بسته شد. این معاهده به گونه‌ای تبعیض‌آمیز، دولت‌ها را به دو گروه دارنده سلاح هسته‌ای و فاقد سلاح هسته‌ای تقسیم کرد (Venturini, 2011: 357) که بر اساس آن، دولت‌های گروه اول (امریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین) ملزم شدند سلاح‌ها و ادوات انفجاری هسته‌ای را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم به هیچ شخص یا کشور دیگری انتقال نداده و دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای را در ساخت، به دست آوردن و کنترل بر این سلاح و ادوات ترغیب، تشویق و کمک نکنند. دولت‌های گروه دوم نیز متعهد شدند سلاح‌ها و ادوات انفجاری هسته‌ای را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم از هیچ شخصی یا کشوری دریافت نکرده و این

سلاح‌ها و ادوات را تولید یا تحصیل نکنند و به هیچ وجه درصدد کمک یا دریافت کمک برای ساخت چنین سلاح‌ها و ادواتی برنیایند.

همچنین، این معاهده دولت‌های گروه دوم را ملزم کرد موافقت‌نامه‌های پادمان دوجانبه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد و اجرایی کرده و بر اساس آن، مواد و فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت و بازرسی آژانس قرار دهند (Fischer, 1997: 87). پس از اجرایی شدن معاهده در سال ۱۹۷۰ آژانس به منظور یک‌شکل و یک‌دست کردن موافقت‌نامه‌های پادمان دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، مدلی را تدوین و در ژوئن ۱۹۷۲ تصویب کرد (IAEA, 1998: 42). این موافقت‌نامه که به موافقت‌نامه پادمان ۱۵۳ یا جامع نیز مشهور است، تا کنون مبنای بیش از ۱۸۰ (تا فوریه ۲۰۱۴) موافقت‌نامه دوجانبه بین دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده، از جمله ایران و آژانس شده است (IAEA, 2014: 3). این موافقت‌نامه‌ها چگونگی اعمال پادمان جامع آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای این دولت‌ها را تعیین و مشخص کرده است. موافقت‌نامه پادمان جامع ایران با آژانس در سال ۱۹۷۳ منعقد و اجرایی شد و در قالب سند ۲۱۴ آژانس منتشر شد؛ که به موافقت‌نامه ۲۱۴ (Infirc, 214) نیز مشهور شده است.

مواد ۷۰ تا ۹۰ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع به بازرسی‌های آژانس اختصاص یافته است. در مقررات این ماده و همین‌طور در سایر مواد، الزام مشخصی برای دولت‌ها مبنی بر اجازه به آژانس برای دسترسی به مکان‌های نظامی یا اختیار صریحی برای آژانس مبنی بر بازرسی یا بازدید از این مکان‌ها مشاهده نمی‌شود. با وجود این، برخی از صاحب‌نظران (البرایت، هاینونن و کیتتری) استدلال کرده‌اند مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های آژانس بر اساس موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، محدود به راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌شده نبوده و به مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده نیز توسعه پیدا می‌کند؛ که این مستلزم اختیار آژانس در دسترسی به مکان‌های مورد نظر از جمله مکان‌های نظامی به‌منظور حصول اطمینان از فقدان مواد و فعالیت‌های هسته‌ای در آنهاست (Albright et al, 2012: 7-8). در این مورد، آن‌ها به گزارش مدیر کل اسبق آژانس، هانس بلیکس، در فوریه ۱۹۹۵ نیز استناد کرده‌اند که اظهار داشته است:

«تدوین کنندگان موافقت‌نامه پادمان ۱۵۳ ضرورت صحیح و کامل بودن اعلامیه دولت‌ها راجع به مواد هسته‌ای را مد نظر داشته‌اند و قلمرو [آن موافقت‌نامه‌ها] محدود به مواد هسته‌ای که توسط دولت اعلام می‌شود، نیست؛ بلکه شامل موادی که باید اعلام گردد نیز می‌شود» (Blix, 1995: 5).

از نظر این صاحب‌نظران، هدف موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، کشف به موقع عدم انحراف مواد هسته‌ای به سمت اهداف تسلیحات هسته‌ای است و محروم کردن آژانس از صلاحیت دسترسی به مکان‌های نظامی مشکوک به داشتن برنامه هسته‌ای تسلیحاتی، با هدف فوق سازگاری ندارد. دیوید اسلاس، از موافقان صلاحیت آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی بر اساس موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، نیز معتقد است به موجب شرط مقرر در ماد ۱۸ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع ناظر بر ماده ۱۹ آن، دولت‌های طرف موافقت‌نامه ملزم به پذیرش تقاضای آژانس در ارتباط با دسترسی به مکان‌های نظامی هستند و امتناع از قبول چنین تقاضایی منجر به نقض موافقت‌نامه پادمان جامع آن‌ها با آژانس و متخلف اعلام‌شدن^۱ آن‌ها توسط شورای حکام آژانس خواهد شد (Sloss, 857-8).

نظرات و استدلال‌های موافقان اختیار آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی صحیح به نظر نمی‌رسد و با اصول و مقررات موافقت‌نامه‌های مذکور سازگاری ندارد. آژانس به موجب ماده ۲ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، صرفاً حق و تکلیف دارد که از اعمال پادمان بر روی مواد چشمه و قابل شکافت مورد استفاده در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در قلمرو کشورهای پذیرنده پادمان به منظور راستی‌آزمایی عدم انحراف آن مواد به سمت اهداف تسلیحات هسته‌ای حصول اطمینان کند. مطابق ماده ۸ موافقت‌نامه‌های مذکور نیز پادمان صرفاً در مورد مواد هسته‌ای اعلام‌شده از سوی دولت‌ها اعمال خواهد شد. بنابراین، اختیار و مسئولیت آژانس صرفاً اعمال پادمان بر چنین موادی به منظور جلوگیری به موقع از انحراف آن‌ها به سمت اهداف تسلیحاتی است. مقررات مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۸ موافقت‌نامه‌های پادمان جامع باید با عنایت به مقررات مواد ۲ و ۸ این موافقت‌نامه‌ها، که قلمرو اعمال پادمان را مشخص می‌کنند، تفسیر شود.

1. Noncompliance

ماده ۲۸ بر مسئولیت آژانس در کشف به موقع عدم انحراف مواد هسته‌ای اعلام شده مشمول پادمان تأکید دارد و از مقررات این ماده نمی‌توان اختیار و صلاحیت آژانس در ورود یا دسترسی به مکان‌های نظامی به منظور راستی‌آزمایی فقدان مواد هسته‌ای اعلام نشده را استنباط کرد. همین‌طور، ماده ۱۸ موافقت‌نامه به شورای حکام آژانس این اختیار را نمی‌دهد که دولت‌ها را به قبول درخواست آژانس برای دسترسی به مکان‌های نظامی ملزم کند. شورای حکام تنها در چارچوب و قلمرو مقررات موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، که به راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای به اهداف ساخت و تولید سلاح و ادوات هسته‌ای محدود می‌شود، می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ کرده و اجرای آن‌ها را از دولت‌ها طلب کند. این درخواست شورا نیز از نظر حقوقی برای دولت‌ها الزام‌آور نیست، زیرا همان‌گونه که دانیل جویئر اظهار کرده است، در ماده ۱۸ عبارت *call upon* به کار رفته است که دلالت بر الزام دولت‌ها ندارد (Joyner, 2013: 3).

مقررات موافقت‌نامه‌های پادمان جامع نه تنها اختیاری برای آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی ایجاد نمی‌کنند، بلکه با لحاظ حساسیت و نگرانی دولت‌ها از دسترسی به مراکز نظامی‌شان، به آن‌ها اختیار می‌دهد که از ورود و دسترسی آژانس به مراکز نظامی که در آن فعالیت هسته‌ای مجاز (مانند تولید برق یا حرکت دادن کشتی‌ها و زیردریایی‌ها با راکتورهای هسته‌ای) انجام می‌شود، را با رعایت شرایطی ممانعت به عمل آورند (Morten and sverre, 2007: 14). ماده ۱۴ این سند (پادمان ۱۵۳) با عنوان «عدم اعمال پادمان‌ها به مواد هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های غیر صلح‌آمیز» ممنوعیت فوق را این‌گونه مقرر کرده است: «اگر دولت... در نظر دارد به صلاح‌دید خود، ماده هسته‌ای که بر اساس موافقت‌نامه حاضر مشمول پادمان است، در فعالیت هسته‌ای به کار گیرد که مستلزم اعمال پادمان بر اساس این موافقت‌نامه نشود، تدابیر ذیل اعمال خواهد شد:

الف. دولت... باید آن فعالیت را به آژانس اطلاع داده و روشن نماید:

۱. که کاربرد ماده هسته‌ای در فعالیت نظامی مجاز مغایر با تعهد دولت... که پادمان آژانس برای آن منظور اعمال می‌شود، نباشد و ماده هسته‌ای تنها در فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد؛

۲- اینکه در مدت عدم اعمال پادمان، ماده هسته‌ای برای تولید سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای مورد استفاده قرار نگیرد.

ب. دولت... و آژانس ترتیبی اتخاذ کنند که فقط در مواردی که ماده هسته‌ای برای این منظور استفاده می‌شود، پادمان‌ها اعمال نشوند. این ترتیبات تا حد ممکن، مدت یا شرایطی که در آن پادمان‌ها اعمال نمی‌شود را مشخص خواهند کرد. در هر حال، پادمان‌های مقرر در این موافقت‌نامه به محض اینکه این ماده هسته‌ای دوباره به فعالیت صلح‌آمیز وارد شد، اعمال خواهد شد. آژانس از مقدار و ترکیب و صادرات چنین ماده هسته‌ای غیرمشمول پادمان در دولت... مطلع خواهد شد.

پ) اتخاذ هر نوع ترتیبی مستلزم موافقت آژانس است. این توافق در سریع‌ترین وقت ممکن انجام شده و تنها به موضوعاتی از قبیل... مربوط خواهد شد و متضمن تأیید یا اطلاعات طبقه‌بندی‌شده فعالیت‌های نظامی یا استفاده از این مواد در آن فعالیت‌ها نخواهد شد.

آن‌گونه که پیداست، ماده فوق به دولت‌ها اجازه داده است با رعایت شرایطی، از اعمال پادمان‌های آژانس بر ماده هسته‌ای مورد استفاده در فعالیت‌های نظامی مجاز (مانند حرکت دادن زیردریایی‌ها و کشتی‌های نظامی و تولید برق هسته‌ای برای مصارف مراکز نظامی) ممانعت به عمل آورند. ماده فوق به دولت‌های پذیرنده موافقت‌نامه اختیار داده است با طی تشریفات و رعایت شرایطی، مانع دسترسی آژانس به آن دسته از مراکز و تأسیسات نظامی که در آن حتی فعالیت هسته‌ای انجام می‌شود، بشوند (Thielmann, 2013: 3). آیا با وجود چنین ممنوعیتی (ممنوعیت دسترسی آژانس به مراکز نظامی با فعالیت هسته‌ای) منطقی و حقوقی است که ادعا شود آژانس بر اساس موافقت‌نامه پادمان جامع، حق دارد به اماکن نظامی فاقد ماده و فعالیت هسته‌ای دسترسی داشته باشد؟ ماده ۱۴ موافقت‌نامه پادمان ۱۵۳ درست در مقررات ماده ۱۴ موافقت‌نامه ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تکرار شده است و در روابط بین طرفین قابل اعمال است.

ماده ۱۴ عدم اعمال پادمان آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای مجاز در مراکز هسته‌ای را وابسته به پاسداشت شرایطی کرده است. شرط اول این است که دولتی که به صلاحدید خود، اعمال پادمان به مواد هسته‌ای مورد استفاده در مصارف نظامی مجاز را لازم ندانسته، ملزم است در

مدت عدم اعمال پادمان، آن مواد را تنها برای مصارف صلح آمیز و نه تولید سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای به کار گیرد. به عبارت مشخص‌تر، این دولت نباید مواد هسته‌ای مورد استفاده در راکتور حرکت‌دهنده کشتی‌ها و زیردریایی‌های جنگی و نظامی را به سمت اهداف ساخت و تولید سلاح و ادوات نظامی منحرف کند. شرط دوم آن است که این دولت باید مقدار و ترکیبات مواد هسته‌ای که پادمان در مورد آن اعمال نمی‌شود را به آژانس گزارش دهد و این حق آژانس است که از مقدار و ترکیب مواد هسته‌ای که در تأسیسات نظامی استفاده می‌شود، مطلع گردد.

دولت مربوطه و آژانس در مورد ترتیبات راجع به شرایط و ضوابط عدم اعمال پادمان‌ها بر چنین مواد هسته‌ای توافق خواهند کرد. این ترتیبات شامل موارد مربوط به طبقه‌بندی اطلاعات و فعالیت‌های نظامی و مواد هسته‌ای مورد استفاده در این فعالیت‌ها نخواهد شد و آژانس حق ورود به این موضوعات را نخواهد داشت.

ب. پروتکل الحاقی و دسترسی به مراکز نظامی

کشف برنامه‌های هسته‌ای مخفیانه کره شمالی و عراق (که هر دو عضو معاهده منع گسترش هسته‌ای و امضاکننده موافقت‌نامه پادمان جامع با آژانس بودند) در اوایل دهه ۱۹۹۰ آژانس را به این نتیجه رهنمون کرد که پادمان‌های جامع از کارایی لازم و مؤثر برخوردار نبوده و لازم است با الحاق مقررات جدیدی، تدابیر پادمانی بر فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها تقویت و تحکیم شود. در پی این تحول بود که دبیرخانه آژانس در سال ۱۹۹۳ برنامه ۲+۹۳ را به منظور تقویت پادمان‌ها در دستورکار قرار داد و پس از حدود دو سال، متن آن را نهایی و تسلیم شورای حکام آژانس کرد (Moyland, 1997: 3). این برنامه از دو بخش تشکیل شده بود و آژانس معتقد بود مقررات بخش اول برنامه ۲+۹۳ در چارچوب موافقت‌نامه‌های پادمان ۱۵۳ قابل اجراست و برای اجرای آن نیازی به توافق جدید با دولت‌ها نیست. اما بخش دوم برنامه متضمن تعهدات پادمانی جدیدی برای دولت‌هاست و مقررات آن را نمی‌توان بدون توافق یا رضایت مجدد دولت‌ها به اجرا گذاشت.

از این رو، شورای حکام آژانس تصمیم گرفت دبیرخانه آژانس مقررات بخش دوم برنامه را در قالب یک پروتکل الحاقی نمونه تهیه کرده و به آن ارائه کند. دبیرخانه آژانس متن پروتکل مورد نظر را تهیه و در ۱۹۹۷ به شورا تسلیم کرد و شورای حکام متن پروتکل الحاقی نمونه را در می ۱۹۹۷ تصویب و دبیرخانه آژانس آن را در قالب سند رسمی ۵۴۰ منتشر کرد (Infirc, 1997: 540). پروتکل الحاقی سند الگویی است که دولت‌های دارای پادمان جامع با آژانس باید مقررات آن را در پروتکل‌های الحاقی خود با آژانس قید کنند. پروتکل‌های الحاقی در واقع پروتکل‌هایی هستند که ضمیمه موافقت‌نامه‌های پادمان جامع دولت‌ها با آژانس می‌شوند. تا کنون (بهار ۱۳۹۵) ۱۲۴ دولت چنین پروتکل‌هایی را با آژانس منعقد و به اجرا در آورده‌اند. ایران این پروتکل را در دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرد، ولی هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. بر اساس سند برجام، ایران متعهد شده است به محض اجرایی شدن برجام (که در دی ۱۳۹۵ اجرایی شد) مقررات پروتکل را اجرا کند (JCPOA, 2015, para: 13).

پروتکل الحاقی دارای ۱۸ ماده و دو ضمیمه است. در صورت تعارض بین مقررات موافقت‌نامه پادمان جامع و پروتکل الحاقی، مقررات پروتکل اعمال خواهد شد (Infirc, 1997: 540, art: 2). هدف پروتکل الحاقی، راستی‌آزمایی کامل بودن اطلاعات ارائه شده دولت‌ها از فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای‌شان و همین‌طور عدم وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در کشورهاست. در موافقت‌نامه‌های پادمان جامع، دولت‌ها تنها به اعلام مواد و فعالیت‌های هسته‌ای خود ملزم شده‌اند و صلاحیت آژانس تنها بررسی و راستی‌آزمایی این مواد و فعالیت‌ها و عدم انحراف آن‌ها به سمت مصارف ساخت سلاح و ادوات انفجاری هسته‌ای بوده است. موافقت‌نامه‌های پادمان ۱۵۳ این صلاحیت را به آژانس اعطا نکرده‌اند که کامل بودن اطلاعات ارائه شده دولت‌ها یا فقدان فعالیت هسته‌ای اعلام نشده در آن‌ها را راستی‌آزمایی کند.

چنین صلاحیتی برای آژانس (راستی‌آزمایی ارائه کامل اطلاعات و عدم وجود فعالیت اعلام‌نشده) در پروتکل مقرر شد. بر اساس پروتکل الحاقی، دولت‌ها ملزم به ارائه اطلاعات گسترده از فعالیت‌های هسته‌ای فعلی و حتی آتی خود شدند و به آژانس نیز صلاحیت‌ها و اختیارات بیشتری در دسترسی به مکان‌های هسته‌ای داده شد (Asada, 2016: 97).

پروتکل الحاقی به روشنی اختیار و صلاحیتی برای آژانس در دسترسی به مراکز نظامی دولت ها مقرر نکرده است. در غیاب چنین صراحتی، برخی از حقوقدانان و مفسران با استناد به مقررات پروتکل در زمینه دسترسی های آژانس و نیز رویه آژانس، مدعی شده اند آژانس از چنین اختیاری و صلاحیتی (صلاحیت دسترسی به اماکن نظامی) برخوردار است (Segel, 2005: 176). این حقوقدانان در این مورد به طور مشخص به بند پ ماده ۵ پروتکل استناد کرده اند، که اشعار داشته است دولت ها باید دسترسی آژانس را «به هر مکان تعیین شده توسط آژانس، به جز اماکن مورد اشاره در پارگراف الف و ب، فراهم آورد تا نمونه گیری محیطی مختص مکان در آن انجام گیرد. در صورتی که... نتواند امکان دسترسی به این مکان ها را فراهم آورد، باید فوری تلاش معقول خود را در راستای برآوردن خواسته های آژانس از مناطق مجاور یا از طریق روش های دیگر به کار بندد».

در بند مذکور عبارت «هر مکان تعیین شده از سوی آژانس» شامل مکان های نظامی نیز می شود و در پروتکل هم مقررات خاصی که مکان های نظامی را از شمول این مقررات خارج کند، مشاهده نمی شود (Acton and Newman, 2006: 17). البته از نظر این حقوقدانان، دسترسی های آژانس به اماکن نظامی مطلق نبوده و تابع محدودیت هایی است که پروتکل بر آن ها تصریح کرده است. آژانس برای توجیه دسترسی خود لازم است دلایل متقن و قانع کننده ای ارائه کند. همچنین، اختیار آژانس در جریان دسترسی به مراکز نظامی تنها انجام نمونه برداری محیطی است. منظور از نمونه برداری محیطی این است که آژانس نمونه هایی از خاک، آب، گیاهان، رسوبات و موجودات زنده منطقه را برای انجام آزمایش در آزمایشگاه های خود جمع آوری می کند و در صورت وجود فعالیت هسته ای در مکان، اثرات پرتوی روی نمونه های مذکور قابل مشاهده خواهد بود. اگر نتایج آزمایش نمونه های محیطی نتواند مسئله یا ناهمگونی اطلاعات ارائه شده دولت ها به آژانس را رفع کند، آژانس از روش مشاهده عینی و ابزارهای تشخیص و اندازه گیری پرتو نیز استفاده خواهد کرد.

همچنین، به شرط توافق با دولت مربوطه، آژانس می تواند از روش های دیگری نیز استفاده کند. اختیار آژانس در مکان نظامی دسترسی داده شده، محدود به سه روش نمونه برداری

محیطی، مشاهده عینی و استفاده از دستگاه‌های تشخیص و اندازه‌گیری محیطی خواهد بود و اسفاده از سایر روش‌ها مستلزم رضایت یا توافق دولت مربوطه است.

علاوه بر این، این حقوقدانان استدلال کرده‌اند که در جریان دسترسی آژانس، دولت دسترسی‌شونده نیز از حقوقی برای حفظ و حمایت اطلاعات حساس نظامی و... خود برخوردار است. پروتکل این حق را به دولت دسترسی‌شونده داده است که دسترسی آژانس به مراکز نظامی را مدیریت کند. نهاد دسترسی مدیریت‌شده نخستین بار در کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی مقرر شد و پس از آن به مکانسیم بازرسی‌های معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (۱۹۹۶) و پروتکل الحاقی راه یافت. مدیریت دسترسی‌ها حقی بود که پروتکل الحاقی به منظور کاهش نگرانی‌های دولت‌ها نسبت به اسرار و اطلاعات نظامی، امنیتی و تجاری‌شان در جریان دسترسی آژانس پیش‌بینی کرد (Stefan, 1997: 127). در این مورد، پروتکل به دولت‌هایی که آژانس می‌خواهد به مراکز غیرهسته‌ای از جمله مراکز نظامی آن‌ها دسترسی داشته باشد، اجازه داده است با مدیریت و هدایت دسترسی، اطلاعات حساس نظامی، امنیتی و تجاری خود را از طریق اتخاذ ترتیباتی توافقی با آژانس محافظت کند.

بر اساس پروتکل، این حق دولت دسترسی‌شونده است که فعالیت‌های آژانس در جریان دسترسی به اماکن و مراکز نظامی را به‌گونه‌ای هدایت و مدیریت کند که اسرار نظامی و امنیتی از دسترسی و جاسوسی‌های احتمالی مصون بماند.

استناد به مقررات ماده ۵ پروتکل در ایجاد مبنای حقوقی برای دسترسی آژانس به مراکز نظامی در صورتی و جاهت دارد که قرینه یا قراینی خلاف آن وجود نداشته باشد. نخست، اینکه موضوع پروتکل الحاقی، فعالیت‌های هسته‌ای کشورها و راستی‌آزمایی عدم انحراف آن‌ها به سمت اهداف تسلیحاتی است. موضوع پروتکل، بررسی و نظارت بر فعالیت‌های نظامی و دفاعی کشورها نیست و آژانس نمی‌تواند به بهانه اجرای مقررات پروتکل، از موضوع آن که فعالیت هسته‌ای است خارج شده و به فعالیت‌ها و تأسیسات نظامی و دفاعی ورود پیدا کند. دوم، اینکه صلاحیت آژانس بر اساس اساسنامه خود، همان‌گونه که از عنوان آن نیز پیداست، توسعه کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای و جلوگیری از انحراف آن‌ها به سمت اهداف و نظامی است. اساسنامه آژانس صلاحیتی برای آن در زمینه دسترسی به اماکن نظامی و دفاعی

پیش‌بینی نکرده است. سوم، اینکه مقررات پروتکل الحاقی موافقت‌نامه جامع پادمان مجموعاً یک سند محسوب می‌شود و مقررات آن‌ها باید توأمان تفسیر شود.

همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، در مقررات پادمان جامع، آژانس به‌روشنی از دسترسی به مراکز نظامی که دارای فعالیت هسته‌ای است منع و محروم شده و این مقررات تا زمانی که آشکارا با مقررات پروتکل الحاقی در ناسازگاری نیست، به قوت و اعتبار خود باقی هستند. هیچ‌کدام از مقررات پروتکل، آن قسمت از مقررات موافقت‌نامه پادمان جامع راجع به ممنوعیت آژانس از دسترسی به اماکن نظامی را نسخ نکرده است و یا با آن ناسازگاری ندارد. از این رو، با وجود چنین نشانه‌ها و مقرراتی، به سختی می‌توان مدعی شد که مقررات بند پ ماده ۵ پروتکل الحاقی، صلاحیت یا اختیار آژانس در دسترسی به مراکز نظامی و دفاعی را تأیید می‌کند.

ج. برجام و صلاحیت آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی ایران

برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به «برجام» توافق مشترک راجع به برنامه هسته‌ای ایران است که در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران و گروه ۱+۵ (شامل چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد. در ۱۹ مهر ۱۳۹۴ رأی‌گیری در رابطه با این توافق در قالب طرح «اقدام متناسب و متقابل دولت در اجرای برجام» در مجلس شورای اسلامی انجام شد و کلیات طرح مذکور با ۱۳۹ رأی موافق، ۱۰۰ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع به تصویب رسید. برجام در ۲۶ دی ۱۳۹۴ به طور رسمی به مرحله اجرا درآمد (گزارش وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵).

اجرای پروتکل الحاقی از جمله تعهدات ایران بر اساس برجام است. به موجب برجام، ایران ملزم شده است از روز اجرایی شدن این توافق، مقررات پروتکل الحاقی را به اجرا درآورد؛ که این الزام در ۲۴ دی ۱۳۹۴ محقق شد و از آن تاریخ، مقررات پروتکل در مورد دسترسی به مکان‌های نظامی در مورد ایران قابل اعمال است. به جز پروتکل، خود برجام نیز متضمن مقرراتی در مورد دسترسی‌های آژانس به مکان‌های نظامی ایران است که تبیین و

توضیح آن‌ها می‌تواند تا حدودی چشم‌انداز تعاملات ایران با آژانس در زمینه دسترسی به مراکز نظامی کشور را روشن کند.

برجام در مورد دسترسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مکان‌ها و مراکز تحت قلمرو و حاکمیت ایران، مقرراتی را به شرح ذیل وضع کرده است:

۱. درخواست‌های دسترسی بر مبنای مقررات برجام، با حسن نیت و با احترام کامل به حقوق حاکمیتی ایران ارائه خواهد شد و در حداقل ضروری برای اجرای مؤثر مسئولیت‌های راستی‌آزمایی تحت این برجام، نگه داشته خواهد شد. هماهنگ با رویه‌های معمول پادمان‌های بین‌المللی، چنین درخواست‌هایی با هدف مداخله در فعالیت‌های نظامی ایران یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با امنیت ملی ایران نبوده، اما منحصراً برای حل نگرانی‌های برخاسته از تحقق تعهدات برجام و دیگر تکالیف پادمانی و عدم اشاعه‌ای ایران خواهد بود. در اجرای این آئین کار و همین‌طور دیگر اقدامات شفاف‌ساز، از آژانس خواسته می‌شود هر احتیاطی را برای صیانت از اسرار صنعتی، فناورانه و تجاری و همچنین دیگر اطلاعات محرمانه که به آن دست پیدا می‌کند، به کار گیرد.

۲. در پیشبرد اجرای برجام، اگر آژانس نگرانی‌هایی در رابطه با مواد یا فعالیت‌های اعلام نشده یا فعالیت‌های مغایر با برجام در محل‌هایی که تحت موافقت‌نامه جامع پادمان یا پروتکل الحاقی اعلام نشده‌اند، داشت، به ایران اساس و پایه‌های چنین نگرانی‌هایی را ارائه کرده و درخواست شفاف‌سازی می‌کند.

۳. اگر توضیحات ایران نگرانی‌های آژانس را حل و فصل نکند، آژانس ممکن است دسترسی به چنین محل‌های را منحصراً به دلیل راستی‌آزمایی عدم وجود مواد و فعالیت‌های اعلام نشده یا فعالیت‌های مغایر با برجام درخواست کند. آژانس به صورت مکتوب دلایل خود برای دسترسی و اطلاعات مرتبط را در اختیار ایران می‌گذارد.

۴. ایران می‌تواند راه‌های جایگزین برای حل نگرانی‌های آژانس پیشنهاد دهد، که آژانس را قادر سازد تا عدم وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای و یا فعالیت‌های مغایر با برجام در مکان مورد سؤال را راستی‌آزمایی کند؛ که بایستی به سرعت و دقت مورد توجه قرار گیرد.

۵. اگر عدم وجود مواد و فعالیت‌های اعلام‌نشده و یا فعالیت‌های مغایر با برجام بعد از اجرای ترتیبات جایگزین موافقت‌شده توسط ایران و آژانس نتواند راستی‌آزمایی شود و یا دو طرف قادر نباشند به شیوه رضایت‌بخشی برای راستی‌آزمایی عدم وجود مواد یا فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده یا فعالیت‌های مغایر با برجام در مکان‌های مشخص‌شده در مدت ۱۴ روز از ارائه درخواست اولیه آژانس برای دسترسی به توافق برسند، ایران در مشورت با اعضای کمیسیون مشترک، نگرانی‌های آژانس را از طریق شیوه‌های لازم مورد توافق بین ایران و آژانس حل می‌کند. در صورتی که توافقی انجام نشود، اعضای کمیسیون مشترک با اجماع و یا با رأی ۵ عضو از ۸ عضو، نظر خود را در خصوص روش ضروری برای حل نگرانی آژانس ارائه خواهند داد. فرآیند مشورت و یا هر عمل دیگر مرتبط توسط اعضای کمیسیون مشترک نباید بیشتر از ۷ روز طول بکشد و ایران اقدامات ضروری را طی ۳ روز اجرا خواهد کرد (JCPOA, 2015, Annex 1, Paras 74-78).

همان‌گونه که پیداست، هیچ‌کدام از مقررات مذکور، صلاحیت آژانس مبنی بر دسترسی به اماکن نظامی را مورد تصریح قرار نداده و حتی تأکید کرده‌اند که آژانس در تقاضای دسترسی به مکان‌های واقع در قلمرو ایران، حقوق حاکمیتی ایران را رعایت کرده و قصد مداخله در فعالیت‌های نظامی ایران یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با امنیت ملی ایران نداشته و درخواست‌های دسترسی آن منحصرأ باید برای حل نگرانی‌های برخاسته از تحقق تعهدات برجام و دیگر تکالیف پادمانی و عدم اشاعه‌ای ایران باشد. با وجود این مقررات و در غیاب سکوت و عدم تصریح برجام به صلاحیت آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی، به سختی می‌تواند استدلال کرد که مقررات برجام صلاحیت آژانس برای دسترسی به مراکز نظامی ایران را پیش‌بینی کرده است. همچنین، با توجه به بسته‌شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران^۱ در متن خود برجام، منطقی به نظر نمی‌رسد که مسائل نظامی و دسترسی به مراکز نظامی دوباره در این سند مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس متن برجام، مقرر شده که ایران بر اساس نقشه راهی، موضوعات نظامی مرتبط با مسائل هسته‌ای را با آژانس تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ حل‌وفصل کند (JCPOA, 2015, Para. 14) در موعد زمانی مقرر، ایران به ابهامات و سؤالات آژانس در این مورد پاسخ داد و شورای حکام

1. Possible Military Dimensions.

آژانس نیز در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ اعلام کرد که موضوع مربوط به مسائل نظامی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران حل شده و خاتمه یافته است. شورا در این مورد اظهار داشت: «همه فعالیت‌ها در قالب نقشه راه برای شفاف‌سازی مسائل باقی‌مانده گذشته و حال برنامه هسته‌ای ایران^۱ براساس جدول زمانی توافق شده اجرا شده است و این امر مسئله رسیدگی به این موضوع را از دستورکار شورای حکام خارج می‌کند» (IAEA Board of Governors /Res/15 dec, 2015). با وجود چنین مقرراتی در برجام، آیا منطقی به نظر می‌رسد که متن برجام دوباره در مقررات بعدی خود صلاحیت آژانس برای دسترسی به مراکز نظامی ایران و ارتباط دادن مسائل هسته‌ای به مسائل نظامی را پیش‌بینی کند.

از سوی دیگر، به این نکته باید توجه کرد که جمهوری اسلامی ایران برجام را با تحفظ پذیرفته است. در قانون تصویب برجام، مجلس شورای اسلامی ایران مقرر داشته است که «هیچ‌گونه دسترسی نظارتی آژانس به مراکز نظامی و... به بهانه برجام مجاز نیست؛ مگر آنکه موارد به صورت جداگانه و با جزئیات به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد». این تحفظ کشور نسبت به برجام است و حقوق بین‌الملل معاهدات، اعتبار چنین تحفظی را تأیید می‌کند. بر اساس قواعد حقوق معاهدات ۱۹۶۹ هر دولتی به هنگام تصویب یک معاهده^۲ می‌تواند اعلام کند که خود را نسبت به مقررات معینی از آن معاهده ملتزم نمی‌داند (Convention, 1969:art, 2, d) و به بیان دیگر، نسبت به آن بخش از مقررات معاهده، تحفظ قائل شود. در مورد برجام نیز مجلس شورای اسلامی با اعلام شرط مذکور، چنین تحفظی را قائل شده است.

کنوانسیون مذکور تصریح کرده است که اگر دیگر طرف‌های معاهده (در این قضیه برجام) تا دوازده ماه از زمان اطلاع از تحفظ دولت نسبت به آن اعتراض نکنند، این عدم اعتراض به منزله پذیرش آن تحفظ است (Convention, 1969:art 20, 5). در مورد این تحفظ ایران، هیچ‌کدام از دولت‌های طرف برجام نسبت به آن اعتراضی نکرده‌اند و بنابراین، به لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل معاهدات، چنین تحفظی معتبر بوده و طرف‌های برجام ملزم به رعایت آن هستند.

1. Past and Present Issues.

۲. برجام بر اساس ضوابط این کنوانسیون، معاهده محسوب شده و مشمول مقررات آن می‌شود، هرچند دیدگاه دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه برجام معاهده حقوقی نیست (mardani, 2016:82).

د. رویه آژانس در ارتباط با دسترسی به اماکن نظامی

رویه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود برخی موارد دسترسی آژانس به مراکز نظامی در دهه‌های اخیر را تأیید می‌کند. البته این دسترسی‌ها یا با مخالفت و چالش دولت دسترسی‌شونده مواجه شده و یا بر مبنای رضایت داوطلبانه و نه الزام حقوقی چنین دولتی انجام پذیرفته است. مورد اول، مربوط به کره شمالی است. در ۹ فوریه ۱۹۹۳ آژانس تقاضای بازرسی ویژه از دو سایت نظامی اعلام نشده کره شمالی، به موجب موافق نامه پادمان بین این کشور و آژانس، کرد و اعلام نمود که بازرسی این دو سایت در شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای آن دولت بسیار موثر واقع خواهد شد. دولت پیونگ‌یانگ تقاضای آژانس را نپذیرفت و اعلام کرد آن دو سایت نظامی بوده و هیچ ارتباطی به برنامه هسته‌ای آن کشور نداشته و خارج از شمول موافقت‌نامه پادمان و صلاحیت آژانس هستند (Yufan, 2009: 157). در واقع، کره شمالی اعلام کرد که موافقت‌نامه پادمان آن با آژانس، چنین حقی (حق بازرسی به مراکز نظامی) را به آژانس اعطا نکرده است.

اصرار آژانس در این مورد موجب شد پیونگ‌یانگ با صدور اعلامیه در تاریخ مارس ۱۹۹۳ اعلام کند که چون تلاش‌های آژانس برای ورود به سایت‌های نظامی اش منافع حیاتی کره شمالی را به مخاطره انداخته است، از معاهده منع گسترش هسته‌ای به موجب بند ۱ ماده ۱۰ آن خارج می‌شود (Bunn and Timerbaev, 2005: 20). بند مذکور اشعار داشته است: «هر دولتی در اجرای حاکمیت ملی خود باید این حق را داشته باشد که در صورتی که احساس کند موارد فوق‌العاده‌ای در رابطه با موضوعات این پیمان، منافع حیاتی کشورش را به مخاطره انداخته است، از آن خارج شود. در این صورت، باید سه ماه پیش از خروج، به تمام هم‌پیمانان و شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. در چنین اطلاعیه‌ای باید موارد فوق‌العاده‌ای که از نظر آن کشور منافع حیاتی‌اش را به مخاطره انداخته نیز ذکر شود».

رویه دیگر، به دسترسی‌های آژانس به سایت نظامی پارچین (منطقه‌ای در شرق تهران که متعلق به صنایع دفاعی کشور است) در ایران مربوط می‌شود. آژانس تا کنون سه بار از این سایت به ترتیب در تاریخ‌های ژانویه ۲۰۰۵، نوامبر ۲۰۰۵ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵ بازدید کرده است. در بازدیدهای ۲۰۰۵ که در زمان اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی توسط ایران انجام شد،

آژانس روی نقشه، کل پارچین را به ۴ منطقه تقسیم و طی دو مرحله، هر بار یکی از این چهار منطقه (یعنی نیمی از پارچین) را برای بازدید انتخاب کرد. در آن زمان، به دلیل اینکه ایران پروتکل الحاقی را امضا و اجرا می‌کرد، به‌عنوان اقدام اطمینان‌ساز مجوز بازدید آزاد از پارچین را صادر کرد. آژانس خودش منطقه مورد نظر را انتخاب نمود. در مرتبه اول ۱۱ محل و در بازدید دوم ۸ محل و اطراف آن‌ها در پارچین مورد بازدید قرار گرفت و از هر کدام از این محل‌ها چندین نمونه‌برداری نیز انجام شد.

آژانس طی گزارشی اعلام کرد: «به ساختمان‌ها و اطراف آن‌ها دسترسی آزادانه پیدا کرد و اجازه یافت که نمونه‌برداری کند. نتیجه این نمونه‌برداری نشان نمی‌دهد که مواد هسته‌ای وجود دارد» (Gov/2005/67, para 61). بازدید دوم در نوامبر ۲۰۰۵ انجام شد که پس از بازدید، آژانس اعلام کرد: «آژانس دسترسی آزادانه یافت و چندین نمونه‌برداری انجام شد. آژانس هیچ‌گونه فعالیت غیرمعمول در ساختمان‌های بازدیدشده مشاهده نکرد و نتیجه این نمونه‌برداری‌ها نشان نمی‌دهد که مواد هسته‌ای در این مکان‌ها وجود دارد» (Gov 2005/87, para: 16). درخواست بعدی برای بازدید از سایت نظامی پارچین در سال ۲۰۱۱ انجام شد، که ایران تا انعقاد توافق برجام در ژوئن ۲۰۱۵ با آن موافقت نکرد. در پی این توافق و در قالب ترتیبات خاص، مدیرکل و معاون پادمانی آژانس از این سایت بازدید کردند و نمونه‌های محیطی که از قبل توسط کارشناسان ایرانی از سایت تهیه گردیده بود به آن‌ها تحویل داده شد (Gov. 2016, para: 9).

در این مورد نیز مبنای حقوقی دسترسی آژانس به سایت پارچین، رضایت داوطلبانه دولت ایران و نه تعهدات حقوقی موافقت‌نامه‌های پادمان بین ایران و آژانس بوده است. اگر غیر از این بود، آژانس برای دسترسی به سایت نظامی ایران وارد توافق جدید با ایران نمی‌شد و دسترسی‌های خود را در چارچوب مقررات موافقت‌نامه‌های پادمان دنبال می‌کرد. صلاحیت آژانس بر اساس این موافقت‌نامه‌ها تنها راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای است و به آژانس حق نمی‌دهد برای راستی‌آزمایی عدم وجود مواد هسته‌ای اعلام‌نشده به مکان‌های غیرهسته‌ای از جمله نظامی کشورها دسترسی داشته باشد (Königs & Szabóová, 2014: 45). این موافقت‌نامه‌ها همان‌گونه که حقوقدانان مصری خانم «نمیرا نگم» اظهار کرده است،

تحت هیچ عنوان اجازه دسترسی آژانس به تمام سایت‌ها از جمله سایت‌های نظامی کشورها را اعطا نمی‌کند (Negm, 2009: 71).

نتیجه‌گیری

توضیحات و بررسی‌های این مقاله نشان داد که موافقت‌نامه‌های پادمان جامع نه تنها اختیار یا صلاحیتی برای آژانس در دسترسی به مکان‌های نظامی کشورها اعطا نکرده، بلکه به صراحت آژانس را از دسترسی به مراکز نظامی که فعالیت هسته‌ای انجام می‌دهند نیز منع کرده است. مقررات پروتکل الحاقی نیز صلاحیت یا اختیار مشخصی برای آژانس در دسترسی به مراکز نظامی پیش‌بینی نکرده است. از این رو، به نظر نمی‌رسد که درخواست آژانس برای دسترسی به مراکز نظامی کشورها از جمله ایران بر اساس این اسناد بتواند از مبنای حقوقی محکم و متقنی برخوردار باشد. رویه آژانس در ارتباط با دسترسی‌ها به مکان‌های نظامی نیز موید این واقعیت است که دولت‌ها اعتقادی به اختیار یا صلاحیت آژانس برای دسترسی به مراکز نظامی بر اساس مقررات آن اسناد ندارند. دسترسی‌هایی نیز که در عمل داده شده‌اند با موافقت و رضایت داوطلبانه دولت دسترسی‌شونده بوده است.

مقررات سند برجام در ارتباط با دسترسی‌های آژانس نیز بر اساس چنین واقعیت‌هایی تهیه و تدوین شده است و همان‌طور که توضیح داده شد، مقررات آن نه تنها بر صلاحیت و اختیار آژانس در دسترسی به مراکز نظامی ایران تصریح نکرده‌اند، بلکه این نکته را مطرح می‌کنند که آژانس در درخواست برای دسترسی به مراکز و مکان‌های تحت حاکمیت ایران نباید مداخله در فعالیت‌های نظامی و امنیتی کشور را مد نظر داشته باشد. در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل نمی‌توان مدعی حق یا صلاحیتی برای آژانس در دسترسی به مراکز نظامی کشورها به منظور راستی‌آزمایی فقدان فعالیت هسته‌ای پنهان شد. بنابراین، حقوق آژانس در ارتباط با دسترسی به مراکز نظامی ایران، همان‌گونه که قانون تصویب برجام تأکید کرده است تابع توافق و صلاحیت‌های امنیتی کشور است.

منابع

- متن طرح اقدام متناسب و متقابل دولت در اجرای برجام، مصوب، خبرگزاری ایسنا ۲۱ مهر ۱۳۹۴.
- متن کامل گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام، خبرگزاری فارس نیوز، ۲۱ فروردین ۱۳۹۵.
- Acton, J and Newman, C. (2006), "IAEA verification of military research and development", **Vertic Research Reports**, Number 5.
- Albright, D Heinonen, O and Kittrie, O (2012), "Understanding the IAEA's Mandate in Iran: Avoiding Misinterpretations", **Institute for Science and International Security**.
- Application of Safeguards in Connection with The Treaty On the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, INFCIRC/214, IAEA, 1974
- Asada, M. (2015), "The NPT and the IAEA Additional Protocol" in Nuclear Non-Proliferation in International Law: Volume II ..., Volume 2, edited by Jannatan L Black-Branch Asser press, Hague.
- Blix, H. (1995), 'Strengthening the Effectiveness and Improving the Efficiency of the Safeguards System' IAEA, GOV/2784.
- Bunn, B. and Timerbaev, R. (2005), The Right to Withdraw from the Nuclear Non -Proliferation Treaty (NPT): The Views of Two NPT Negotiators, **Yaderny Kontrol (Nuclear Control) Digest**, Volume 10, No.1-2.
- fischer, D. (1997), "History of the International Atomic Energy Agency: The First Forty Years", IAEA, Vienna.
- IAEA (1998), **The Evolution OF IAEA Safeguards**, IAEA, Vienna.
- IAEA Safeguards Implementation Report, IAEA, Vienna, 2014.
- Joint Comprehensive Plan of Action implementation and verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council Resolution 2231 (2015) Resolution adopted by the Board of Governors on 15 December 2015 GOV/2015/72 Date: 15 December 2015
- Joyner, D (2013), 'An IAEA Special Inspection of Parchin?' <http://armscontrolaw.com/2013/05/16/an-iaea-special-inspection-of-parchin/>.
- Kish J. (1995), "international law and Espionage", Martinus Nijhoff publishers, Hague.
- Königs, T & Szabóová, S (2014), "The IAEA'S Right to Visit Sites Accused of Developing Nuclear Weapons Systems: The Parchin Facility in Iran", **Amsterdam Law Forum**, Vol. 6:2.
- Mardani, N & Hooshmand, M. (2016), "JCPOA: A Dialectical Paradigm of Treaty and other International Instruments, **Journal of Politics and Law**, Vol. 9, No. 3.
- Morten B., sverre L. (2007), "Nuclear Proliferation and International Security", Routledge, London.
- Moyland, V. (1997), **The IAEA's Programme '93 + 2'** Vertic, London.
- Negm, N (2009), **Transfer of Nuclear Technology Under International Law: Case Study of Iraq, Israeal and Iran**, Nhjhoff.
- Oeter, S (1997), "Inspection in International law", Netherlands Yearbook of International Law.
- Segell, G. (2005), **Axis of Evil and Rogue States: The Bush Administration**, London.
- Sloss, D, 'It's Not Broken, So Don't Fix It: The International Atomic Energy Agency Safeguards System and the Nuclear Nonproliferation Treaty' (1994-1995) 35 Va. J. Int'l L. 841.
- The Agency and States Required in Connection with The Treaty On the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, INFCIRC/153, IAEA, 1972
- The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)**, 2015.
- Thielmann, J and Kelleher, S (2013), "The Naval Nuclear Reactor Threat to the NPT", **The Arms Control Associaton**, Washington.
- Venturini, Gabriella (2011), 'Control and Verification of Multilateral Treaties on Disarmament and Non-Proliferation of Weapons of Mass Destruction' 17 U.C. Davis J. Int'l L. & Policy

Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, Done at Vienna on 23 May 1969. Entered into force on 27 January 1980. United Nations, *Treaty Series*, vol. 1155.

Yetgin, Murat (2003), " **Strategic Interactions Between the United States Aand North Korea: Deterrence or Security Dilemma?**", Master Degree Disertation Naval Postgraduateschool, Monterey, California.

Yufan, H (2009), "Challenges to Chinese Foreign Policy: Diplomacy, Globalization, and the Next World powerAmerican University Press" Kentucky.

Archive of SID